

To avoid population density, the government should transfer the industrial centers from the capital to the

1) contexts

2) regions

3) projects

4) cultures

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله: «برای جلوگیری از تراکم جمعیت، دولت باید مراکز صنعتی را از پایتخت به مناطق منتقل کند.»

(۴) فرهنگ

(۳) پروژه

(۲) منطقه

(۱) زمینه

I've been called for a / n for a manager's job in an oil company.

- 1) communication 2) explanation 3) ceremony 4) interview

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله: «برای شغل مدیریت در یک شرکت نفت برای مصاحبه خواسته شده‌ام.»

(۴) مصاحبه

(۳) مراسم

(۲) توضیح

(۱) ارتباط

Please feel free to share comments and questions with us. As to our reply, meetings will surely be held to update you as soon as new information becomes

1) wonderful

2) valuable

3) available

4) thoughtful

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله: «لطفاً راحت باشید و سوالات و اظهارنظرهایتان را با ما در میان بگذارید.

درباره پاسخ ما، قطعاً جلساتی برگزار خواهد شد تا به محض اینکه اطلاعات در دسترس شوند، شما را روزآمد کنیم.»

(۴) متفکر

(۳) در دسترس

(۲) ارزشمند

(۱) شگفت‌انگیز

It was my mom's wish that we, my brother and I, will never leave our only sister alone in hardships.

1) patching

2) dying

3) bleeding

4) burning

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله: «آخرین آرزوی در حال موت مادرم این بود که ما، من و برادرم، هرگز تنها خواهرمان را در سختی‌ها تنها نگذاریم.»

(۲) مردن

(۱) بسته‌بندی کردن

(۴) سوختن

(۳) خون‌ریزی کردن

She was terribly sick at heart and made a with her eyebrows that she couldn't speak then.

1) sign

2) choice

3) point

4) rule

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله: «او قلبش خیلی آزرده بود و با ابروهایش علامت داد که آن موقع نمی تواند صحبت کند.»

(۴) قانون

(۳) نکته

(۲) گزینه، انتخاب

(۱) علامت

Native speakers of Spanish languages in number from the small societies of at most 100 people to the large ones of at least 1 million.

1) range

2) appear

3) surf

4) reach

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمهٔ جمله: «گویش‌ورهای بومی زبان‌های اسپانیایی از نظر تعداد از جوامع کوچک

حداکثر صد نفری تا جوامع بزرگ حداقل یک میلیون نفری متغیر هستند.»

(۲) ظاهر شدن

(۱) متغیر بودن

(۴) رسیدن

(۳) گشت‌زدن (در اینترنت)

The fact that she is not fit for the job is decided; she should have been informed of the requirements.

- 1) skill 2) point 3) hint 4) belief

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله: «این واقعیت که او برای این شغل مناسب نیست یک نکته فرعی است، به او باید درباره ملزومات اطلاع داده می شد.»

عبارت "beside the point" به معنای «نکته فرعی یا بی ربط نسبت به موضوع» است.

- (۱) مهارت (۲) نکته (۳) تذکر، اشاره (۴) اعتقاد، باور

A dolphin's is so excellent that it can notice underwater sounds from up to 15 miles away.

1) sight

2) sense

3) hearing

4) touch

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شنوایی دلفین به قدری عالی است که می‌تواند صداهای زیر آب را از ۱۵ مایل دورتر متوجه شود.

(۴) لمس ، لامسه

(۳) شنوایی

(۲) حس ، احساس

(۱) بینایی ، دید

It was very cold there, but luckily I had those clothes just perfect for the occasion, so I did not freeze outside.

1) spare

2) light

3) vast

4) hard

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. آنجا خیلی سرد بود، ولی خوشبختانه آن لباس‌های اضافی را داشتم [که] دقیقاً برای آن موقعیت عالی [بودند]، پس بیرون یخ نزدم

(۲) [لباس و غیره] سبک ، [رنگ] روشن

(۱) اضافی ، یدکی

(۴) سخت، دشوار

(۳) گسترده، پهناور

On the day that you blood, you should drink plenty of liquid, and you should eat your normal meals.

1) donate

2) spare

3) gain

4) raise

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در روزی که خون اهدا می کنید، باید مایعات فراوانی بنوشید و باید وعده‌های غذایی عادی خودتان را بخورید.

(۲) رحم کردن ، [وقت، پول] اختصاص دادن

(۱) اهدا کردن، بخشیدن

(۴) بالا بردن ، افزایش دادن

(۳) کسب کردن، به دست آوردن

توضیح: خون اهدا کردن: donate blood

Your child has to sit still for a short time while you his temperature, or the result will not be accurate.

1) make

2) hold

3) give

4) take

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. کودکان در حالی که دمای بدن او را می‌گیرید باید برای مدت کوتاهی بی‌حرکت بنشینند، وگرنه نتیجه، دقیق نخواهد بود.

(۲) نگه داشتن ، برگزار کردن

(۱) درست کردن ، باعث ... شدن، مجبور کردن

(۴) بردن ، گرفتن

(۳) دادن

توضیح: دمای بدن ... را گرفتن : take temperature

He is a knowledgeable athlete who has become one of the most and successful medal winners in the Olympic Games.

1) preventive

2) distinguished

3) recreational

4) conditional

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. او ورزشکاری با معلومات است که یکی از سرشناس ترین و موفق ترین برندگان مدال در بازی های المپیک شده است.

(۲) سرشناس ، برجسته ، متمایز

(۱) پیشگیرانه، بازدارنده

(۴) شرطی ، مشروط ، مقید

(۳) تفریحی ، (مربوط به) سرگرمی

People with chronic health problems should first talk to a/an before beginning a new program of physical activity.

1) patient

2) educator

3) physician

4) medicine

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. افراد دارای مشکلات سلامتی مزمن قبل از آغاز یک برنامه‌ی جسمانی جدید، ابتدا باید با یک پزشک صحبت کنند.

(۴) دارو، پزشکی

(۳) پزشک، دکتر

(۲) مربی، معلم

(۱) بیمار

She's, polite and particularly helpful when it comes to helping her colleagues in the office.

1) respectful

2) personal

3) possible

4) general

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. او هنگامی که موضوع کمک به همکارانش در اداره مطرح می‌شود، محترم، مؤدب و به طور خاص یاری‌رسان است.

(۲) شخصی، خصوصی

(۱) محترم، آمیخته با احترام

(۴) عمومی، همگانی

(۳) ممکن، امکان‌پذیر

Nicholas Negroponte, the visionary computer scientist who the organization One Laptop Per Child, now says he wants to connect the "last billion" people on the planet.

1) founded

2) increased

3) invented

4) discovered

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نیکلاس نگروپونته، دانشمند کامپیوتر دوران‌دیشی که سازمان یک لپ‌تاب برای هر کودک را بنا نهاد، در حال حاضر می‌گوید [که] می‌خواهد «یک میلیارد آخر» انسان‌های روی سیاره‌ی [زمین] را [به اینترنت] وصل کند.

(۲) افزایش دادن ، افزایش یافتن

(۱) پایه‌ریزی کردن، بنا نهادن

(۴) کشف کردن ، پی بردن به

(۳) اختراع کردن ، ابداع کردن

She keeps a and writes down the details of her dreams in it every morning when she wakes up.

1) piece

2) note

3) novel

4) diary

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. او یک دفتر خاطرات نگه می‌دارد و هر روز صبح وقتی بیدار می‌شود، جزئیات رویاهایش را در آن می‌نویسد.

(۴) دفتر خاطرات

(۳) رمان

(۲) یادداشت، نُت

(۱) قطعه، تکه

If you read a series of texts on a related topic, you will notice a limited vocabulary which is frequently.

1) boosted

2) founded

3) considered

4) repeated

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر مجموعه‌ای از متون را در یک موضوع مرتبط بخوانید، متوجه تعداد محدودی از واژگان خواهید شد که بارها تکرار می‌شود.

(۲) پایه‌ریزی کردن، بنا نهادن

(۱) تقویت کردن ، بالا بردن ، افزایش دادن

(۴) تکرار کردن ، تکرار شدن

(۳) در نظر گرفتن ، لحاظ کردن

Scientific tests show that while a dog's lasts no more than 5 minutes, a cat's can last as long as 16 hours.

- 1) brain 2) function 3) memory 4) reality

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. آزمایشات عملی نشان می‌دهند که در حالی که حافظه‌ی سگ بیش از ۵ دقیقه دوام نمی‌آورد، [حافظه‌ی] گربه می‌تواند تا ۱۶ ساعت دوام داشته باشد.

(۱) مغز (۲) کارکرد ، عملکرد (۳) حافظه ، خاطره (۴) حقیقت، واقعیت

Psychologists learning as more than simply the process of acquiring knowledge.

1) insist

2) regard

3) advise

4) perform

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. روان‌شناسان یادگیری را به عنوان [چیزی] بیش‌تر از صرفاً فرآیند کسب معلومات در نظر می‌گیرند.

(۲) به شمار آوردن، در نظر گرفتن ، نگرستن

(۱) اصرار کردن، پافشاری کردن

(۴) انجام دادن ، اجرا کردن

(۳) توصیه کردن به، سفارش کردن به

The police asked if I was sure that the man in the photograph is the one who attacked me in the park.

1) absolutely

2) deeply

3) mentally

4) fluently

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. پلیس پرسید که آیا کاملاً مطمئن هستم که مرد داخل عکس همانی است که در پارک به من حمله کرد [یا نه]. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۲) عمیقاً ، به شدت

(۱) کاملاً ، قطعاً ، مطلقاً

(۴) [سخن گفتن، نوشتن] سلیس، روان، خوب

(۳) از نظر ذهنی ، به لحاظ روحی

Carbon dioxide, or CO₂ is a simple gas that a small part of our planet's atmosphere.
And yet it's at the root of the global warming problem.

1) takes off

2) keeps on

3) makes up

4) keeps off

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دی اکسید کربن یا CO₂ گاز ساده‌ای است که بخش کوچکی از جو سیاره‌ی ما را تشکیل
می‌دهد ، و با وجود این، در ریشه‌ی مشکل گرمایش جهانی است. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) [لباس و غیره] درآوردن ، [هواپیما و غیره] بلند شدن

(۲) (به کار خود) ادامه دادن ، (به راه خود) ادامه دادن

(۳) تشکیل دادن، ساختن

(۴) دور نگه داشتن ، دور ماندن، جلو نیامدن

Right now depend on other of the country, and foreign countries like Columbia and Venezuela, to supply them with coal.

1) subjects

2) regions

3) varieties

4) circles

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در حال حاضر آنها برای تأمین زغال خودشان به سایر مناطق کشور و کشورهای خارجی هم چون کلمبیا و ونزوئلا وابسته هستند. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۲) منطقه، ناحیه

(۱) موضوع ، [در دستور زبان] فاعل

(۴) دایره ، حلقه

(۳) تنوع ، نوع، گونه

I don't think going for a walk is a good idea. It's quite cold, and,, it's getting late and we don't want to be out in the dark.

1) however

2) besides

3) despite

4) rather

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فکر نمی‌کنم برای پیاده‌روی رفتن ایده‌ی خوبی باشد. هوا نسبتاً سرد است و گذشته از این دارد دیر می‌شود و ما نمی‌خواهیم در تاریکی بیرون باشیم. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۲) گذشته از این، به علاوه

(۴) تا حدودی، نسبتاً، تقریباً

(۱) با وجود این، با این حال

(۳) به رغم، با وجود

The kids were told to close their eyes, and they were walking on the moon.

1) surf

2) explain

3) exist

4) imagine

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. به بچه‌ها گفته شد که چشمانشان را ببندند و تصور کنند روی ماه راه می‌روند.
ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) موج‌سواری کردن، [در اینترنت] وب‌گردی کردن

(۲) توضیح دادن، شرح دادن

(۳) وجود داشتن، بودن

(۴) (پیش خود) تصور کردن، (در ذهن) مجسم کردن

She was thinking of buying a used car, but her father asked her to buy a new car

- 1) never 2) over 3) before 4) instead

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. او فکر می کرد ماشین استفاده شده (دست دوم) بخرد، اما پدرش از او خواست در عوض ماشین نو بخرد. ترجمه‌ی گزینه‌ها:

- (۱) هرگز (۲) بالای (۳) قبل از، پیش از (۴) در عوض، به جایش